



پژوهشنامه حقوق کیفری

سال نهم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۵

شماره پیاپی ۱۳

جهانی شدن تروریسم و راهکارهای حمایت مؤثر از بزه دیدگان آن

دکتر محمود جلالی^۱

زینب سادات موسوی^۲

تاریخ پذیرش: ۹۵/۲/۱۵

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۲/۱۰

چکیده

در حمایت از بزه دیدگان جرایم تروریستی، اصل بر جبران خسارت‌های مادی و معنوی قربانیان از طریق نهادهای حقوق داخلی همچون مراجع خاص و بودجه عمومی کشورهاست. اما هنوز تعداد قابل توجهی از کشورها به دلایل گوناگون، مقررات حقوق بین‌الملل را به صورت کامل وارد حیطه کاربردی سیاست جنایی خود نکرده‌اند. به همین دلیل حمایت کافی از قربانیان بعمل نمی‌آید. با جهانی شدن تروریسم، حمایت‌های موجود از بزه‌دیدگان جرایم تروریستی نیز لاجرم به سمت جهانی شدن توسعه می‌یابد. علاوه بر تلاشهای داخلی، در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی، کنوانسیون اروپایی پرداخت غرامت به بزه دیدگان جرم‌های خشونت بار ۱۹۸۳، اعلامیه اصول بنیادین عدالت در مورد بزه دیدگان جرم و قربانیان سوء استفاده از قدرت ۱۹۸۵ (قطعه‌نامه شماره ۳۴/۴۰ مجمع عمومی)، اصول و رهنمودهای حق جبران برای بزه دیدگان نقض‌های فاحش حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه ۲۰۰۵، اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری و برخی دیگر از اسناد بین‌المللی عمدتاً به بیان حمایت مادی و اقتصادی از بزه دیدگان تروریسم، پذیرش حق جبران خسارت بزه دیده و نیز راهکارهای جبران پرداخته‌اند. علاوه بر حمایت مادی که در اسناد فوق مورد اشاره قرار گرفته، حمایت‌های بین‌المللی همچون حمایت کیفری، پزشکی و روان‌پزشکی، پلیسی و امنیتی، قضایی و فرهنگی از بزه دیدگان تروریسم شکل گرفته است. با این حال، نیاز به حمایت‌های مؤثر و بیشتر ضروری می‌نماید.

واژگان کلیدی: حقوق بین‌الملل، جهانی شدن، تروریسم، روش‌های حمایت از بزه دیدگان.

✉ m.jalali@ase.ui.ac.ir

۱. دانشیار گروه حقوق دانشگاه اصفهان
۲. کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه اصفهان

مقدمه

از زمان‌های گذشته، همواره مکاتب حقوق کیفری، جرم، مجرم و مجازات را مورد توجه قرار داده و سعی کرده‌اند با تحمیل مجازات بر مجرم، جرم را کنترل نمایند. اما بزه دیده^۱ که خسارت اصلی را متحمل می‌شود و در دوره انتقام خصوصی، نقش محوری در فرایند تعقیب و مجازات مجرم را بر عهده داشت، بیشتر مورد بی‌توجهی قرار گرفته است. تنها در سال‌های اخیر و با ظهور مکتب عدالت ترمیمی (نک زهر، ۱۳۸۸)،^۲ بزه‌دیده در کانون توجه قرار گرفته و این مکتب به دنبال آن است تا علاوه بر بررسی نقش بزه دیده در ارتکاب پدیده مجرمانه، از طریق شناخت بزه‌دیده، بزه و آثار آن را مهار و تمامی خسارات ناشی از جرم تا حد ممکن جبران گردد. در جرایم تروریستی نیز به دلیل گسترده بودن، افراد بسیاری بزه‌دیده قرار می‌گیرند و لازم است بزه‌دیدگان جرایم تروریستی مورد شناسایی قرار گیرند، ویژگی‌های آن‌ها بررسی شود و پس از آن از طریق شناخت آنان، جرایم تروریستی کنترل گردد (Bassiouni, 2006: 203). پس یکی از اهداف شناخت بزه‌دیدگان جرایم تروریستی، حمایت از آن‌ها و به دنبال آن کنترل نرخ ارتکاب جرایم تروریستی در جهان است.

پس از جنگ جهانی دوم به تدریج اندیشه حمایت از بزه دیدگان مطرح شد و حقوق بزه دیده مورد توجه قرار گرفت. از اواخر دهه ۱۹۷۰ حقوق بزه دیدگان جرم ارتقاء یافت و حق دریافت غرامت توسط بزه دیده در دستور کار مراجع بین‌المللی قرار گرفت. در اینجا لازم است قبل از ورود به مبحث بزه دیدگان تروریسم و راهکارهای حمایتی از آن‌ها، به اسناد مهم بین‌المللی که در زمینه حمایت از بزه دیدگان جرایم به‌طور کلی، می‌باشد، اشاره شود. «اعلامیه اصول بنیادین عدالت در مورد بزه دیدگان جرم و قربانیان سوء استفاده از قدرت»^۳ ۱۹۸۵ که شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد در قطعنامه ۵۷/۱۹۸۹ خود در ۲۴ مه ۱۹۸۹ راه‌های عملی و اجرایی آن را بررسی، و دستورالعمل‌هایی را در این زمینه صادر نمود، کنوانسیون اروپایی پرداخت غرامت به بزه دیدگان جرایم خشونت‌بار ۲۴ نوامبر ۱۹۸۳ و توصیه‌نامه شماره ۲۱ (۸۷) R. در مورد کمک به بزه

1. Victim

2. Restorative Justice

3. Declaration of Basic Principles of Justice for Victims of Crime and Abuse of Power

۴. بخش الف ماده ۱ اعلامیه بیان می‌دارد: «بزه‌دیدگان اشخاصی هستند که در پی فعل یا ترک فعل ناقض قوانین کیفری دولت‌های عضو، ... به صورت فردی یا گروهی به آسیب، از جمله آسیب بدنی و روانی، درد و رنج عاطفی، زیان اقتصادی یا آسیب اساسی به حقوق بنیادین خود، دچار شده‌اند.» ماده ۳ حمایت از بزه‌دیدگان و تسکین ناملایمات روحی و فیزیکی را برای همه قربانیان جرم بدون ملاحظه هیچ نوع تفاوت و امتیازی از قبیل نژاد، رنگ، جنس، سن، زبان، مذهب، ملیت، گرایش سیاسی، اعتقادات، عملکرد فرهنگی، دارایی، موقعیت‌های خانوادگی یا قومی و ضعف و ناتوانی‌ها، قابل اعمال دانسته است.

دیدگان و جلوگیری از بزه دیدگی.^۱ لازم به ذکر است که ۱۳ کنوانسیون بین‌المللی و ۸ کنوانسیون منطقه‌ای اقدامات تروریستی را محکوم کرده‌اند.

در هر حادثه تروریستی خسارات بسیاری ایجاد می‌شود که بزه‌دیدگان آن را شایسته و مستحق حمایت می‌سازد. از آنجا که بزه‌دیدگان این جرم تفاوت‌هایی با سایر بزه‌دیدگان دارند، مستحق توجه ویژه هستند. مهم‌ترین تفاوت‌هایی که بزه‌دیدگان تروریسم با سایر بزه‌دیدگان دارند، بی‌گناهی محض، میزان سختی و کندی دسترسی به مسئولان اصلی جرم به دلایلی نظیر متواری یا کشته شدن عاملین جرم، عدم شناسایی گروهک‌های تروریستی، عدم کفایت دلایل در انتساب جرم، هراس از تکرار حادثه، میزان بالای قربانیان زن و کودک، سازمان‌یافتگی و غیر قابل اندازه‌گیری بودن کمی آسیب‌های روحی و روانی قربانیان است. توضیح این‌که بزه‌دیدگان جرایم تروریستی اغلب افراد خردسال، کهنسال و زنان هستند. به تعبیر برخی از نویسندگان، «حاکمیت مطلق اصل غافلگیری» و «اعمال تهدیدات مبهم» به منظور تغییر نظام حاکم یا اعتراض به آن با هر روش و به هر قیمت، موجب می‌شود که اولین و بیشترین قربانیان این دسته از جرایم، افراد عادی جامعه و قربانیان گمنامی باشند که به صورت اتفاقی مورد هدف قرار گرفته‌اند. از طرف دیگر، اغلب در جرایم تروریستی، عاملان و مسببان اصلی حادثه و نیز طرفداران آن‌ها به ویژه طرفداران ایدئولوژیکی، به عنوان قهرمان از این مسببان و مباشران یاد می‌کنند و این مسئله موجب می‌شود تا قبح عمل تروریستی و خشونت بار نزد آنان از بین رفته و در نتیجه به جای پشیمانی از عمل، درصدد تکرار آن باشند و به تبع آن، قربانیانی که هنوز از حادثه سابق بهبودی روحی و جسمی نیافته‌اند به جهت تکرار احتمالی حادثه و تهدیدهای بعدی، در هراس و نگرانی شدیدی باشند. ولی در سایر جرایم، هراس از تکرار حادثه تا این حد نیست. همچنین هراس ناشی از یک عملیات تروریستی به دلیل شدت غافلگیری آن و نیز به دلیل به کارگیری سلاح گرم و مواد انفجاری شدید، به مراتب هولناک‌تر از هراس ناشی از سایر جرایم است (هاشمی، ۱۳۸۸: ۱۵۹-۱۵۷). تمامی این تفاوت‌ها باعث می‌شود که بزه‌دیدگان تروریسم نیازمند توجه و حمایت خاص و بیشتر باشند.

در خصوص جبران خسارت بزه‌دیدگان تروریسم، مدل‌های مختلفی در جهان وجود دارد. برخی از این مدل‌ها عبارتند از: ۱- دسته‌ای از کشورها قوانین داخلی و برنامه‌های خاصی را در زمینه بزه‌دیدگان تروریسم تصویب نموده‌اند. چنین قوانینی تقریباً مشابه جبران خسارت‌های آسیب‌دیدگان از جنگ (اعم از نظامیان و غیر نظامیان) می‌باشد. در چنین قوانینی بزه‌دیدگان غیر نظامی ناشی از تروریسم، به عنوان سربازانی اجباری در نظر گرفته شده‌اند که ناخواسته بین گروه-

1. European Convention on the Compensation of Victims of Violent Crimes, 24 November 1983, (ETS No. 116) and Recommendation R(87) 21 on Assistance to Victims and the Prevention of Victimization.

های تروریستی و دولت‌ها قرار گرفته‌اند. قوانین خاص مربوط به بزه دیدگان تروریسم در اکثر کشورها همچون فرانسه، ایتالیا، یونان، اسپانیا، ترکیه و روسیه وجود دارد، اما نتایج آن‌ها آشکارا متفاوت است. در حالی که در فرانسه و اسپانیا حمایت از بزه دیدگان تروریسم توسط مجموعه‌های اداری مجزا صورت می‌گیرد، در روسیه این امر توسط دادگاه‌های عمومی صورت می‌گیرد که صلاحیت تصمیم‌گیری درباره جبران خسارت را دارند. اکثر کشورهایی که در مورد بزه دیدگان تروریسم قوانین خاص دارند، در چهل سال اخیر از حملات وسیع تروریستی آسیب دیده‌اند؛ حملاتی که معمولاً از طرف جدایی طلبان یا از جانب تروریست‌های ایدئولوژیکی انجام گرفته و ریشه بومی داشته است. ۲- دسته دوم کشورهایی هستند که به طور خاص قوانینی در مورد بزه دیدگان تروریسم ندارند اما برنامه‌های حمایتی راجع به بزه دیدگان سایر جرائم، مانند سرقت، قتل عمد و شبه عمد، وجود دارد که بزه دیدگان تروریسم هم مشمول همان حمایت‌های عام واقع می‌شوند. جمهوری اسلامی ایران در حال حاضر در این دسته قرار دارد (نک حبیب‌زاده، و حکیمی‌ها، ۱۳۸۶). ۳- دسته ای دیگر از کشورها، آن‌هایی هستند که یا تا به حال قوانین حمایتی از بزه دیدگان نداشته‌اند و یا این قوانین بسیار محدود بوده است و به دلایل مختلف هیچ برنامه حمایتی در مورد جبران خسارت بزه دیدگان را اجرا نکرده‌اند. این دلایل عبارتند از: الف) اعانه‌های عمومی محدودی که برای جبران خسارت بزه دیدگان موجود است و بزه دیدگان تروریسم نیز می‌توانند از آن بهره‌مند شوند. ب) مسائل اجتماعی دیگر نیازمند توجه بیشتری است و سرمایه‌گذاری بیشتری را در آن زمینه‌ها می‌طلبد (Albrecht, Kilchling: 2005: 59). اکثر کشورها اکنون در این دسته قرار دارند.

در بیشتر آثار موجود در ادبیات حقوقی کشور، بزه دیدگان جرایم تروریستی به صورت غیر مستقیم مورد اشاره قرار گرفته‌اند که این میزان توجه کافی نبوده و لازم است در اسناد ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی روش‌های مشخصی به منظور جبران خسارات این بزه دیدگان مورد تأکید قرار گرفته و حقوق کامل بزه دیدگان تروریسم مورد شناسایی قرار گیرد. در حقوق بین‌الملل کیفری به طور عام و در حقوق ایران به طور خاص، تحقیق مفصلی در این زمینه صورت نگرفته است و این پژوهش می‌تواند تا حدی ابهامات موجود در این زمینه را مرتفع و این شاخه جدید علمی را غنی‌تر نماید.

هدف این مقاله تبیین تحولات سازوکارهای حمایت از بزه دیدگان پدیده‌ی جهانی شده تروریسم است. برای دستیابی به این هدف، این مقاله ابتدا جایگاه حمایت از قربانیان را در برخی نظام‌های حقوقی داخلی مورد بررسی قرار می‌دهد. سپس حمایت کیفری از بزه دیده‌گان جرائم تروریستی به صورت منطقه‌ای بررسی می‌شود. نگاه برخی از اسناد بین‌المللی به حمایت از بزه دیدگان تروریسم در قسمت بعد می‌آید. در مرحله دوم با در نظر گرفتن دیدگاه نظام‌های حقوقی داخلی، اسناد منطقه‌ای و حقوق بین‌الملل کیفری موجود، حمایت‌های شناخته شده جهانی از

قربانیان تروریسم از جمله حمایت مادی، پزشکی، روانپزشکی، پلیس و امنیتی، فرهنگی و درنهایت، قضایی و مجازات مرتکبین تحلیل و در پایان نتیجه گیری خواهد شد.

۱. حمایت از بزه دیدگان تروریسم در حقوق داخلی

منظور از حمایت کیفری، جرم انگاری یک عمل در قانون و تعیین ضمانت اجرای مناسب برای آن است. از دهه ۱۹۷۰ تروریسم که در آن موقع بیشترین شکل تروریسم داخلی، سیاسی و تجزیه طلبانه بود، شروع به ایجاد مشکل برای کشورهای اروپایی کرد. در موارد محدود و به صورت استثنایی کشورهایی همچون فرانسه و ایتالیا بعد از مواجهه با خشونت تروریستی در دهه‌های ۸۰-۱۹۷۰ قوانین خاصی راجع به بزه دیدگان تروریسم را در حقوق داخلی به تصویب رساندند.

از سال ۱۹۸۰ به بعد «بزه دیده» توجه خاصی را در زمینه سیاست‌جنایی و قوانین کیفری دریافت کرد و این امر منجر به تصویب قوانین حمایت کننده در این زمینه شد و پرداخت غرامت ضررهای مادی و معنوی ناشی از جرم نیز در قوانین مورد حمایت قرار گرفت. به تدریج وضع قوانین داخلی کشورها و اصلاح بخش‌هایی از قوانین راجع به آیین دادرسی و طرح‌هایی مبنی بر حمایت از بزه دیده در دستور کار قرار گرفت.

کشورهایی که جبران خسارت بزه دیدگان را مد نظر قرار داده اند، به دو روش عمل کرده اند. برخی از کشورها گرایش به تأمین جبران خسارت کامل دارند (به طور خاص جبران خسارت برای درد و رنج) و دسته دیگری از کشورها مشروعیتی اساسی در زمینه مؤسسات رفاه اجتماعی، تعاون عمومی و حمایت از بینوایان قائل شده‌اند؛ مؤسساتی که پاسخگوی بحران‌های اقتصادی، بحران‌های خاص روحی و دیگر نیازهای بزه دیدگان است. این مؤسسات در حقیقت به جای بزه‌کارانی که مرده‌اند، شناسایی نشده‌اند و یا قادر به پرداخت خسارت نیستند، حمایت از بزه دیدگان را انجام می‌دهند و کمک‌های این مؤسسات بیشتر در مورد بزه دیدگان تروریسم بین‌المللی است و وظیفه دولت‌ها در جبران خسارت بزه دیدگان را انجام می‌دهند. از طرف دیگر، شرایط پرداخت خسارت به بزه‌دیدگان نیز در کشورهای مختلف متفاوت است. برخی از کشورها خسارت بزه دیدگان را به صورت یکجا پرداخت می‌کنند در حالی که برخی دیگر از کشورها به صورت ماهانه یا سالانه به جبران خسارت می‌پردازند. ایتالیا شاخص‌ترین نمونه برای کشورهای دسته دوم است. در این کشور بزه دیدگان و بستگان آن‌ها بیشترین مبلغ را دریافت می‌کنند.

سیستم جبران خسارت یونان ویژگی خاصی دارد. گرچه سطح پرداخت‌های مستقیم به بزه‌دیدگان کمتر از چیزی است که در ایتالیا جریان دارد ولی اعضای خانواده بزه دیده به‌ویژه اولاد او که عضو سرویس‌های خدمات عمومی کشوری باشند، بر حسب اولویت‌های سرویس‌های خدمات عمومی کشور، از حق‌الزحمه خاصی برخوردار خواهند بود. به‌عنوان نمونه، در این کشور فرزندان بزه دیده از شانس بالاتری نسبت به اشتغال برخوردارند. همچنین در ایتالیا، یونان و اسپانیا ذینفع‌های

جبران خسارت، از کاهش یا معافیت دائم مالیاتی برخوردارند (Albrecht, Kilchling: 2005: 60). به طور کلی، حذف مراحل اداری برای دریافت این غرامت‌ها و پرداخت فوری و نیز رعایت شأن و کرامت بزه‌دیدگان در پرداخت خسارت بایستی مورد توجه مسئولان داخلی قرار گیرد.

فرانسه در سال ۱۹۸۶ اقدام به تشکیل «صندوق تضمین حمایت از قربانیان تروریسم و جرائم دیگر»^۱ نمود. متعاقباً دولت فرانسه اقدام به تهیه طرح قانونی در زمینه کمک به بزه‌دیدگان جرایم و تصویب آن در مجلس خود نمود. همچنین به درخواست نخست وزیر وقت فرانسه لیونل ژوسپین^۲ در سال ۱۹۹۸ یک گروه کاری با مشارکت نمایندگان وزارتخانه‌های مختلف و کارشناسان در زمینه کمک به بزه‌دیدگان تشکیل گردید. این گروه ۱۱۴ پیشنهاد در این زمینه ارائه داده است که در زمینه حمایت از بزه‌دیدگان بسیار مفید و سودمند است و مواد قانونی بر مبنای همین پیشنهادات و سایر اقدامات در قانون شماره ۵۱۶ سال ۲۰۰۰ فرانسه تصویب شده است و با توجه به مقررات سال ۲۰۱۰ و ۲۰۱۲ این کشور، بزه‌دیدگان تروریسم در فرانسه صرفنظر از تابعیتشان و در خارج از فرانسه چنانچه فرانسوی باشند، می‌توانند مشمول این حمایت‌ها قرار گیرند.

در آمریکا، حوادث تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ طیف گسترده‌ای از شاکیان را به وجود آورد که خواستار جبران خسارت صدمات شخصی بوجود آمده و یا نماینده افراد کشته شده در حوادث ۱۱ سپتامبر بودند. به طور کلی چند گروه بزه‌دیده و خواهان جبران خسارت بودند. گروه اول خواهان‌های اصلی بودند که شامل بازماندگان افراد شاغل کشته شده در هنگام برخورد جت‌ها به ساختمان‌ها و کارمندان پلیس، آتش‌نشان‌ها و دیگر کارگران نجات که زخمی شده، می‌شود. گروه دوم افرادی که خواهان جبران خسارت مالی ایجاد شده در نتیجه حملات، از دست دادن کسب و کار در نتیجه بسته شدن خطوط هوایی در روزهای پس از حملات و در پی آن کاهش شدید سفرهای هوایی بود. البته قوانین جبران خسارت بزه‌دیدگان تروریسم در آمریکا خسارات مالی را جبران نمی‌کنند و این وظیفه بر عهده شرکت‌های بیمه است. گروه سوم شکایاتی است که از طرف بسیاری از کارگرانی که در محل سازمان تجارت جهانی کار می‌کنند و یا مردمی که در آن منطقه سکونت دارند، مطرح شده است مبنی بر ناسالم بودن شرایط هوایی در منطقه مرکز تجارت جهانی و ابتلاء به سرفه و دیگر مشکلات سلامتی در نتیجه آن. در ۲۲ سپتامبر ۲۰۰۱ کنگره آمریکا صندوق جبران خسارت بزه‌دیدگان^۳ را به منظور جبران خسارت سریع و مستدل برای افرادی که در نتیجه وقایع ۱۱ سپتامبر متحمل خسارات جسمی یا جراحات بدنی شده‌اند، ایجاد نمود (Vairo: 2002: 1269,1273).

1. Fonds de garantie des victimes d'actes de terrorisme et d'autres infractions- F.G.T.I.
2. Lionel Jospin
3. Victims Compensation Fund

بزه‌دیدگان حادثه ۱۱ سپتامبر آمریکا برای جبران خسارات خود می‌توانستند به دو روش محاسبه حکم فرضی و استماع دادرسی عمل کنند. صرف‌نظر از اینکه خواهان راه اول یا دوم را انتخاب کند، تقاضا مشروط بر تعیین صلاحیت ابتدایی است. در صورتی که متقاضی ابتدا فاقد صلاحیت تشخیص داده شود، می‌تواند نزد دادستان ویژه^۱ تجدیدنظر خواهی نماید. اگر متقاضی برای دریافت غرامت صالح باشد، دادستان ویژه ۱۲۰ روز برای صدور حکم فرصت دارد. بعد از بایگانی شدن تقاضا، در صورت انتخاب راه اول توسط متقاضی دریافت غرامت، ارزیاب دعاوی ۴۵ روز فرصت دارد تا حکم فرضی را به فرد اطلاع دهد. در صورت پذیرش حکم از جانب بزه‌دیده، مبلغ مورد حکم به وی پرداخت می‌شود و در غیر این صورت اگر بزه‌دیده اعتراضی داشته باشد، باید لایحه تکمیلی را ظرف مدت ۲۱ روز نزد دادستان ارائه و تقاضای تجدید نظر نماید. دادستان ویژه باید در این خصوص که آیا در صدور حکم اشتباهی وجود داشته یا اینکه شرایط فوق‌العاده‌ای وجود داشته که در صدور حکم فرضی لحاظ نشده است، تصمیم‌گیری نماید. اگر خواهان راه دوم را انتخاب کند، باید اطلاعات لازم در مورد دعوا را ارائه نماید. دادستان ممکن است عوامل مختلفی را در جرح و تعدیل حکم به حساب بیاورد از جمله شناسایی همسر و وابستگان بزه‌دیدگان، نیازهای مالی ایشان، حقایقی که بر ضررهای غیر مالی اثر گذارند و هر عامل دیگر که خواهان ممکن است اقامه نماید. بر طبق قانون موقت، جلسه محاکمه تجدید نظر حداکثر ۲ ساعت به طول می‌انجامد و ممکن است علنی یا غیر علنی باشد. گروه مشاوران حقوقی ممکن است حاضر باشند و امکان دارد خواهان شهود خود شامل کارشناسان را در دادگاه حاضر کند. مانند راه اول، پس از جلسه رسیدگی و استماع دعوا، دادستان ویژه حکم لازم الاجرا صادر می‌نماید (Vairo: 2002: 1275).

۲. حمایت از بزه‌دیدگان تروریسم در سطح منطقه‌ای

حمایت مادی و جبران خسارت بزه‌دیدگان بطور کلی در برخی از اسناد منطقه‌ای مورد توجه و تأکید قرار گرفته است (نوری صفا، ۱۳۸۷). در قاره آمریکا فقط یک سند بین‌المللی در مورد حمایت از قربانیان وجود دارد که تحت عنوان «کنوانسیون بین‌آمریکایی ناپدید شدن اجباری اشخاص» می‌باشد و با همت سازمان کشورهای آمریکایی (OAS) تهیه و از ۲۸ مارس ۱۹۹۶ لازم الاجرا گردیده است. اعلامیه سال ۲۰۰۷ آن سازمان در مورد مبارزه علیه تروریسم و مجازات مرتکبین آن و همچنین کنوانسیون سال ۲۰۰۲ بین‌آمریکایی مبارزه علیه تروریسم هیچیک حتی اشاره‌ای به حمایت از قربانیان ندارند. در آسیا هیچ معاهده‌ای در این زمینه وجود ندارد. در آفریقا کنوانسیون ۱۹۹۹ جلوگیری و مبارزه با تروریسم به‌طور حاشیه‌ای در ماده ۴ به موضوع حمایت از

1. The Special Master

قربانیان اشاره دارد اما پروتکل آن که در ۸ جولای ۲۰۰۴ در مجمع اتحادیه آفریقا در آدیس آبابا بتصویب رسید صراحتاً در بندهای الف و ج ماده ۳ خود برای دولتهای عضو تعهد به حمایت از قربانیان تروریسم را به رسمیت می شناسد.

در مورد کشورهای اسلامی عضو شورای همکاری اسلامی، کنوانسیون سازمان در زمینه مبارزه با تروریسم بین المللی^۱ مصوب جولای ۱۹۹۹، تروریسم و «جرایم تروریستی» را تعریف کرده و تا حدودی به حمایت کیفری از بزه دیدگانش پرداخته است. بند ۲ ماده ۱ این کنوانسیون مقرر می دارد: «تروریسم عبارت است از عمل خشونت آمیز یا تهدید به آن، بدون توجه به انگیزه و یا قصد، که به صورت فردی یا جمعی و به منظور اجرای یک نقشه جنایی و با هدف ترساندن مردم و یا تهدید به ایراد صدمه به آنان و یا در مخاطره قرار دادن جان، حیثیت، آزادی، امنیت یا حقوق آنان و یا در معرض خطر قرار دادن محیط زیست، هرگونه تأسیسات و یا اموال عمومی یا شخصی آنان، تصرف یا توقیف آنها و یا در مخاطره انداختن منابع ملی و یا تأسیسات بین المللی و یا تهدید امنیت داخلی، تمامیت ارضی، یکپارچگی سیاسی و یا حاکمیت دولت های مستقل، ارتکاب یافته باشد».

مطابق بند ۳ ماده ۱ این کنوانسیون انجام، شروع و یا شرکت در تحقق هرگونه موضوع تروریستی در هر یک از کشورهای طرف قرارداد و یا جرایمی که بر ضد اتباع آنان، دارایی ها، منافع و یا تأسیسات بیگانه و یا اتباع مقیم در آن سرزمین صورت گرفته و براساس حقوق داخلی قابل مجازات باشد، تروریستی تلقی می شود. بند ۴ ماده ۱ نیز، دوازده کنوانسیون معروف بین المللی در زمینه مبارزه با تروریسم را به رسمیت شناخته است و در صورتی که این کنوانسیون ها توسط دولت های عضو مورد تصویب قرار گرفته باشند، جرایم مقرر در این کنوانسیون ها نیز در شمار جرایم تروریستی مورد نظر کنوانسیون سازمان همکاری اسلامی و حمایت های موجود از قربانیان در آنها تعهد دولتهای اسلامی تلقی خواهد شد. همانطور که مشاهده می شود چارچوب تعیین شده توسط سازمان همکاری اسلامی نیز کمتر به سازوکارهای حمایت از قربانیان تروریسم پرداخته است. در این قسمت با توجه به پیشرفت بهتر در اروپا، موضوع حمایت از بزه دیدگان تروریسم در منطقه اروپا بعنوان نمونه بیان می شود. برخی از اسناد حمایتی در اروپا عبارتند از:

۱) کنوانسیون اروپایی پرداخت غرامت جرایم خشونت بار ۱۹۸۳ یکی از اسناد حمایتی شورای اروپا در زمینه حقوق بزه دیده و به طور خاص بزه دیده تروریسم می باشد. در اوایل دهه ۱۹۷۰ مسئله پرداخت غرامت به بزه دیدگان جرم از محل سرمایه های عمومی مورد بحث شورای اروپا واقع شد و در نهایت منجر به تصویب «کنوانسیون اروپایی پرداخت غرامت به بزه دیدگان جرم های خشونت بار» در سال ۱۹۸۳ شد که در سال ۱۹۸۸ لازم الاجرا گشت. اهداف این کنوانسیون شامل

1. Convention of the Organization for Islamic Cooperation on Combating International Terrorism, 1999.

معرفی و توسعه برنامه‌هایی برای پرداخت غرامت به بزه‌دیدگان جرم و ایجاد مقررات حداقلی برای پرداخت غرامت در مورد خسارات مادی و معنوی است. مطابق این کنوانسیون دولتی که جرم در قلمرو آن اتفاق افتاده است باید غرامت را به تابعان دولت عضو کنوانسیون و نیز تابعان دولتهای عضو شورای اروپا که در قلمرو دولت محل وقوع جرم اقامت دائم دارند، بپردازد (ماده ۳ کنوانسیون). ماده ۲ نیز اشخاصی که به دنبال یک جرم عمدی خشونت‌بار به آسیب بدنی شدید یا آسیب به سلامتی خود دچار شده‌اند و نیز بستگان کسانی که در پی چنین جرم‌هایی مرده‌اند را واجد صلاحیت قانونی می‌داند. این صلاحیت حتی اگر بزهکار تعقیب یا مجازات نشود هم به حال خود باقی است و غرامت بایستی پرداخت شود. پرداخت غرامت در برگیرنده از دست دادن درآمد و هزینه‌های پزشکی، بیمارستان، کفن و دفن و هزینه‌های زندگی بستگان می‌باشد (ماده ۴). مطابق این کنوانسیون مقام‌های صلاحیت‌دار هر دولت به درخواست مقامات طرف مقابل، حداکثر همکاری ممکن را در ارتباط با موضوعات تحت پوشش این کنوانسیون انجام خواهند داد. برای دستیابی به این هدف، هر یک از دولت‌های عضو باید مرجع خاصی را برای دریافت درخواست چنین همکاری‌ها و اقدام در این زمینه تعیین کند (ماده ۱۲). شورای اروپا سپس توصیه‌هایی را در خصوص کمک به بزه‌دیدگان شکنجه و جلوگیری از آزار و شکنجه در ۱۷ سپتامبر ۱۹۸۷ ارائه نمود.

۲) در کنفرانس وزرای دادگستری اروپا که در اکتبر ۲۰۰۳ تشکیل شد، کمیته وزرا برای پذیرش قوانین جدید و ضروری در ارتباط با بهبود حمایت از بزه‌دیدگان اعمال تروریستی و خانواده‌هایشان دعوت شدند. این مسئله در حال حاضر توسط کمیته کارشناسان تروریسم^۱ تحت بررسی است. ملاحظه می‌گردد، بزه‌دیدگانی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم در نتیجه تروریسم دچار آسیب شده‌اند، بایستی حمایت ملی و بین‌المللی را دریافت کنند. ماده (۱) ۷ دستورالعمل مقرر می‌دارد: «بزه‌دیدگان اعمال تروریستی باید غرامت مناسب، منصفانه و به موقع برای آسیب‌هایی که متحمل می‌شوند، دریافت کنند. هرگاه غرامت توسط... مباشرین، سازمان دهندگان و حامیان اعمال تروریستی تأمین نگردد، کشوری که اعمال تروریستی در قلمرو آن به وقوع پیوسته است، بایستی در پرداخت غرامت به بزه‌دیدگان برای آسیب‌های جسمی یا روحی وارد شده به آنان صرف‌نظر از ملیت بزه‌دیدگان، مشارکت نمایند» (Albrecht, Kilchling: 2005: 3). همانطور که ملاحظه می‌گردد نیاز بزه‌دیدگان به ترمیم آسیب‌های جسمی و روحی مورد توجه قرار گرفته است و حمایت مادی از ایشان مطرح شده و مورد تأکید است.

۳) ماده ۱۳ «کنوانسیون پیشگیری از تروریسم شورای اروپا»^۲ تأکید ویژه‌ای بر حمایت از بزه‌دیدگان دارد. این حمایت‌ها براساس یک برنامه‌ریزی ملی و بر مبنای قانونگذاری داخلی کشورهای

1. The Committee of Experts on Terrorism (CODEXTER).

2. Convention on the Prevention of Terrorism, Council of Europe, (ETS No.196), Warsaw, 16.V.2005.

عضو شامل کمکهای مالی و پرداخت خسارت به بزه دیدگان تروریسم و اعضای نزدیک خانواده آنان می‌باشد. کنوانسیون بدون ارائه تعریفی از تروریسم در ماده ۱ خود مقرر می‌دارد: «هدف از جرایم تروریستی عبارت است از ارتکاب هر یک از جرایم تعریف شده در یکی از کنوانسیون‌های مذکور در ضمیمه این کنوانسیون» و در ضمیمه آن کنوانسیون‌های بین‌المللی تروریستی آمده است.

۴) شورای اروپا در خصوص حمایت از بزه دیدگان تروریسم همچنین پیش‌نویس دستورالعمل‌هایی^۱ را تهیه که به وسیله کمیته وزرا در ۲ مارس ۲۰۰۵ پذیرفته شد. در این سند رنج بردن و متضرر شدن بزه‌دیدگان اقدامات تروریستی شایسته همبستگی و حمایت مالی و بین‌المللی است. این دستورالعمل‌ها بر وظیفه دولت‌ها در خصوص انجام اقدامات ضروری و مورد نیاز در حمایت از حقوق اساسی هر فرد در مقابل خشونت‌های تروریستی تأکید دارند. مطابق کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و تصمیمات دادگاه اروپایی حقوق بشر نیز دولت‌ها موظفند سیاست‌هایی را اعمال نمایند که حمایت از زندگی انسانها به طور مؤثرتری تأمین شود.

اصولی در این دستورالعمل‌ها قابل استخراج است که عبارتند از: ۱- دولت‌ها باید تضمین نمایند اشخاصی که متحمل آسیب جسمی یا روحی در نتیجه خشونت تروریستی شده‌اند و بر طبق شرایطی بستگان نزدیک ایشان، می‌توانند از خدمات و استانداردهایی که در این دستورالعمل بیان شده است، بهره‌مند گردند. ۲- اعطای خدمات و حمایت‌ها نباید به احراز هویت (شناسایی متهم)، توقیف، تعقیب یا محکومیت مباشر اعمال تروریستی بستگی داشته باشد. ۳- حمایت از حق خلوت و زندگی خصوصی بزه‌دیده در مقابل اعمال ناخوانده رسانه‌ها قویاً پیشنهاد می‌شود. ۴- کمک‌های اضطراری فوری، کمک‌های پزشکی طولانی مدت، کمک روانی، اجتماعی و کمک مادی مورد تأکید قرار گرفته است. ۵- دسترسی مؤثر به قانون و عدالت برای بزه دیدگان جرایم تروریستی باید فراهم گردد. ۶- موقعیت بزه دیدگان تروریسم بایستی تا حد کافی در آیین دادرسی کیفری به رسمیت شناخته شود (حمایت حقوقی). ۷- غرامت مناسب، منصفانه و به موقعی که برای آسیب‌ها و صدمات اعلام می‌شود، نباید از مرزهای ملی تأثیر بپذیرد (حمایت مالی). ۸- شهود نیز همچون بزه دیدگان جرایم تروریستی در برابر تهدیدات نسبت به زندگی و حیات خود که ممکن است در نتیجه ادای شهادت در محاکمه کیفری صورت گیرد، مورد حمایت واقع شده‌اند.

۵) بالاخره، توصیه نامه کمیته وزیران عضو اتحادیه اروپا در خصوص حمایت از قربانیان جرایم^۲ که در سال ۲۰۰۶ مورد پذیرش هیأت وزرای عضو این اتحادیه قرار گرفت، درباره حمایت ویژه از بزه دیدگان تروریسم اشعار می‌دارد: «تشویق دولت‌های عضو برای استقرار و ابقای مراکز حمایتی ویژه از بزه دیدگان گروهی جرایم، از جمله بزه دیدگان تروریسم، ضروری و لازم است».

1. Guidelines on the Protection of Victims of Terrorist Acts, 2005, Council of Europe.

2. Recommendation Rec.(2006)8, of the Committee of Ministers to Member States on Assistance to Crime Victims, 14 June 2006.

۳. حمایت از قربانیان تروریسم در سطح بین المللی

با توجه به ماهیت حقوق بین الملل سنتی که در آن عمدتاً روابط بین الدولی است و افراد که قربانیان جرائم را تشکیل می دهند در آن جایی نداشته اند، تا دهه ۱۹۸۰ توجه چندانی به قربانیان در حقوق بین الملل صورت نگرفته است. اما این دیدگاه سنتی به تدریج متحول گردیده و با تلاش دولت‌ها و سازمان‌های بین المللی، مقررات بین المللی در جهت حمایت از قربانیان جرم به طور کلی و قربانیان تروریسم به طور خاص شکل گرفته و بدین ترتیب دولت‌ها را متعهد به حمایت از قربانیان نموده است. بخش اعظم مقررات حمایتی مذکور را می توان در اسناد بین المللی حقوق بشر و حقوق بشردوستانه یافت که از ماهیت حقوق عرفی بین المللی برخوردارند. امروزه نظر بر این است که شاخه جدیدی از حقوق بین الملل تحت عنوان «حقوق بین الملل قربانیان» بوجود آمده است (Romani, 2012).

مقررات قراردادی و عرفی بین المللی حاکم بر قربانیان را می توان بر اساس نوع قربانی به مقررات حاکم بر قربانیان جرم بطور عام، قربانیان سوء استفاده از قدرت، قربانیان نقض فاحش حقوق بین الملل بشر، قربانیان نقض فاحش حقوق بشردوستانه، قربانیان ناپدید شدن اجباری، قربانیان نقض حقوق بین الملل کیفری و قربانیان تروریسم دسته بندی نمود. متعاقب حوادث تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در آمریکا، بسلان و مادرید در روسیه و اسپانیا در سال ۲۰۰۴ و لندن در سال ۲۰۰۵ و نتایج ویران کننده آنها، توجه جهانیان بیشتر به این مسئله معطوف گشت که چگونه می توان از بزه دیدگان تروریسم بطور مؤثر حمایت نمود (نک توجهی، ۱۳۸۰). در این زمان جامعه جهانی دریافت که نیازمند قوانین حمایتی بیشتری از بزه دیدگان تروریسم است (Albrecht, Kilchling: 2005: 5).

در چارچوب سازمان ملل متحد، قطعنامه ۴۰/۳۴ مجمع عمومی مورخ ۲۹ نوامبر سال ۱۹۸۵ که مبتنی بر ماده ۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر است، یکی از گامهای اولیه حمایت از قربانیان تلقی می شود. این قطعنامه در خود «اعلامیه اصول بنیادین عدالت» را دارد (رایجیان اصلی، ۱۳۸۴: ۲۹). اعلامیه در اصل هشتم خود مسئولیت اشخاص حقیقی مرتکب جرم را به رسمیت شناخته است. این اصل مقرر می دارد: «بزه کاران یا اشخاص ثالثی که در برابر رفتار آنها پاسخگویند باید به گونه منصفانه ای از بزه دیدگان، خانواده یا بستگان آنها خسارت زدایی کنند...». اصل یازدهم اعلامیه هم به مسئولیت مأموران دولتی یا دیگر کارگزارانی که در یک سمت رسمی یا شبه رسمی کار می کنند اشاره دارد: «هرگاه مأموران دولتی یا دیگر کارگزارانی که در یک سمت رسمی یا شبه رسمی کار می کنند، قوانین کیفری داخلی را نقض کنند، بزه دیده باید از دولتی که مأموران یا کارگزاران آن پاسخگوی آسیب وارد شده اند، خسارت بگیرد. هرگاه حکومتی که فعل یا ترک فعل مرتکب بزه در قلمرو حاکمیت آن ارتکاب یافته است، دیگر وجود ندارد، دولت یا حکومت جانشین باید خسارت بزه دیده را جبران کند.» همچنین ماده ۴ قطعنامه مذکور دولت‌ها را به «همکاری با

دیگر دولت‌ها از رهگذر معاضدت قضایی و اداری در موضوعاتی مانند شناسایی و پیگرد بزه کاران، استرداد آنان و توقیف دارایی‌هایشان که باید برای جبران خسارت بزه دیدگان بکار گرفته شود، فرا خوانده است. بنابراین، برای محاکمه و مسئول شناختن اشخاص حقیقی در جرایم تروریستی، برای جبران خسارت علاوه بر مسئولیت کیفری، مسئولیت مدنی نیز قابل طرح است.

متعاقب قطعنامه ۴۰/۳۴، مجمع عمومی در ۱۸ دسامبر ۱۹۹۲ «اعلامیه حمایت از کلیه اشخاص در مقابل ناپدید شدن اجباری» را به تصویب رساند که نهایتاً در سال ۲۰۰۶ و طی قطعنامه 61/77 به کنوانسیون بین‌المللی تحت همین نام تبدیل و الزام آور گردید. هم‌اعلامیه و هم‌کنوانسیون فهرست مفصلی از حقوق بین‌المللی را برای قربانیان به رسمیت می‌شناسند. از سال ۱۹۹۴ تاکنون مجمع عمومی موضوع قطعنامه‌های خود در این خصوص را تحت عنوان «تروریسم و حقوق بشر» صادر می‌نماید.

کمیسیون حقوق بشر سازمان (اکنون شورای حقوق بشر)، در سال ۲۰۰۵ طی قطعنامه ۲۰۰۵/۳۵ مورخ ۱۹ آوریل، «اصول بنیادین و دستورالعمل‌های مربوط به جبران خسارت و پرداخت غرامت به قربانیان نقض‌های فاحش حقوق بشر و حقوق بشردوستانه» را بعنوان مکمل مقررات موجود حقوق بین‌الملل قربانیان پذیرفت.

از جمله اقدامات دیگر سازمان ملل متحد در مورد قربانیان و این بار بطور خاص قربانیان تروریسم (پطروس گالی، ۱۳۸۰: ۱۱۵) قطعنامه ۱۵۵۶ مصوب ۲۰۰۴ شورای امنیت است که در آن شورا گروه کاری را موظف نمود تا ایجاد یک «صندوق مالی برای پرداخت غرامت به بزه دیدگان تروریسم و خانواده‌هایشان» را مورد بررسی قرار دهد. تأمین بودجه صندوق جبران خسارت به چند طریق صورت می‌گیرد: (۱) کمک‌های داوطلبانه (۲) دارایی‌های توقیف شده تروریست‌ها (۳) جریمه مالی گروه‌های تروریستی. این قطعنامه بر حمایت مادی از بزه دیدگان تروریسم و جبران خسارت‌های ایشان تأکید دارد. بزه دیدگان مستقیم و غیرمستقیم می‌توانند مشمول این حمایت‌ها قرار گیرند.

با این حال، از میان ۱۳ کنوانسیون بین‌المللی راجع به تروریسم (جلالی، ۱۳۸۴: ۵۰) تنها دو سند را می‌توان در مقام حمایت کیفری واقعی از تروریسم دانست؛ کنوانسیون سرکوب بمب‌گذاری تروریستی ۱۹۹۷ و کنوانسیون بین‌المللی سرکوب حمایت مالی از تروریسم ۲۰۰۰ (هاشمی، ۱۳۸۸: ۱۹). سایر کنوانسیون‌های تروریستی تنها مصادیق این جرم را بیان کرده و محکوم نموده‌اند. به عنوان مثال گروگان‌گیری، جرایم ارتكابی در هواپیما، اعمال غیرقانونی بر ضد ایمنی سکوها ثابت مستقر در فلات قاره و ... مصداق عمل تروریستی دانسته شده و برای آن مجازات تعیین شده است (آزمایش، ۱۳۸۰: ۱۶۷ به بعد).

ماده ۲ کنوانسیون بین‌المللی سرکوب حمایت مالی از تروریسم ۲۰۰۰، جرم تروریستی را این‌گونه تعریف می‌نماید: الف) هر رفتاری که براساس معاهدات پیوسته شده به این کنوانسیون جرم

تلقی شود ب) انجام هر عملی به قصد کشتار یا ایراد صدمات جسمانی شدید به غیر نظامیان یا افراد دیگر که در عملیات جنگی حین مداخلات مسلحانه به صورت مؤثر شرکت نداشته باشند، مشروط بر این‌که هدف چنین اقدامی با توجه به ماهیت یا پیش زمینه آن، ترساندن جامعه باشد یا بدین قصد صورت گیرد که دولت یا سازمان بین‌المللی را وادار به انجام یا ترک عملی نماید. همچنین در بند ۲ این ماده شروع به جرم، شرکت، معاونت، رهبری یا دستور به ارتکاب جرایم فوق نیز جرم تروریستی دانسته شده است.

لازم به ذکر است که «مسئولیت اشخاص حقوقی» و از جمله سازمان‌های تروریستی نیز در اسناد بین‌المللی بیان شده است. مثلاً «کنوانسیون مبارزه با جرایم سازمان یافته فراملی ۲۰۰۰ (پالرمو)» (ماریا کاستا، ۱۳۸۸) و کنوانسیون بین‌المللی سرکوب حمایت مالی از تروریسم، صراحتاً به بیان مسئولیت «اشخاص حقوقی» پرداخته‌اند. نوآوری کنوانسیون پالرمو، بیان مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی است. برای اولین بار یک سند بین‌المللی مورد توافق و اجماع جامعه بین‌المللی به طور صریح مسئولیت اشخاص حقوقی را پذیرفته است. ماده ۱۰ کنوانسیون تحت عنوان «مسئولیت اشخاص حقوقی» مقرر می‌دارد:

«۱- هر دولت عضو، منطبق با اصول حقوقی خود تدابیر لازم جهت برقراری مسئولیت اشخاص حقوقی مشارکت‌کننده در ارتکاب جرایم شدیدی که یک گروه مجرم سازمان یافته نیز در آنها دخالت دارد و نیز جرایم موضوع مواد ۸، ۶، ۵ و ۲۳ این کنوانسیون را اتخاذ خواهد نمود. ۲- بسته به اصول حقوقی دولت عضو، مسئولیت اشخاص حقوقی می‌تواند کیفری، مدنی یا اداری باشد. ۳- این مسئولیت خدشه‌ای به مسئولیت کیفری اشخاص حقیقی که مرتکب این جرایم شده‌اند، وارد نخواهد کرد. ۴- هر دولت عضو، به طور اخص، اطمینان حاصل خواهد کرد، اشخاص حقوقی که طبق این ماده مسئول شناخته می‌شوند، مورد مجازات‌های کیفری یا غیر کیفری مؤثر، متناسب و بازدارنده، از جمله مجازات‌های مالی قرار خواهند گرفت» (طالع زاری، ۱۳۹۰). هرچند مسئولیت کیفری دولت در کنوانسیون فوق بیان نشده است، اما از آنجا که دولت یک شخص حقوقی حقوق عمومی است، در نتیجه می‌تواند مشمول مقررات فوق قرار گیرد. «کنوانسیون بین‌المللی سرکوب حمایت مالی از تروریسم» هم در بندهای سه‌گانه ماده ۵، مسئولیت مدنی، کیفری و اداری برای اشخاص حقوقی در نظر گرفته است. بند ۱ ماده ۵ اشعار می‌دارد: «هر یک از کشورهای عضو مطابق با اصول حقوقی داخلی خود اقدامات لازم را به کار خواهند گرفت تا شخصیت‌های حقوقی که در قلمرو خاک آن کشور قرار داشته یا بر اساس قوانین آن کشور سازمان یافته‌اند نیز دارای مسئولیت شناخته شوند. این مسئولیت زمانی خواهد بود که شخصی به خاطر مدیریت یا کنترل بر نهاد حقوقی و با استفاده از ظرفیت‌های آن، اقدام به ارتکاب جرایم تعیین شده در ماده ۲ نماید. مسئولیت فوق مدنی، کیفری یا اداری خواهد بود.»

تشکیل دیوان های کیفری اختصاصی یوگسلاوی سابق و رواندا در دهه ۹۰ میلادی بارقه امیدی را برای قربانیان جرائم بین المللی ایجاد کرد. اما صرفنظر از اینکه اساسنامه این دو دیوان به تروریسم اشاره ای ندارد، هیچ گونه حق اقامه دعوا به قربانیان جرم نداده تا بتوانند به عنوان طرف دعوی در رسیدگی حضور یابند و با بزه دیدگان مانند «شهود» برخورد می نمایند. تأسیس دیوان بین المللی کیفری گام مهم تری در این زمینه محسوب می شود. زیرا در مواد (۳)۱۹، (۶)۴۳، (۳)۶۸، (۷۵)پرداخت خسارت به بزه دیدگان) و (۷۹)اساسنامه و مواد ۸۶، ۸۷، ۸۸ و (۲)۹۱ قواعد رسیدگی و اثبات دعوی دیوان، حقوق قربانیان به رسمیت شناخته به آنها اجازه می دهد مشاهدات و مطالب خود را به دیوان ارائه و در دیوان حضور پیدا کنند. با این حال، در مورد قربانیان خاص اعمال تروریستی، تصریح خاصی در اسناد دیوان وجود ندارد.

۴. راهکارهای حمایت مؤثر از قربانیان تروریسم

۴.۱. جبران خسارت مادی

رایج ترین راه های جبران خسارت عبارت است از جبران از طریق کمک های دولت ها، شرکت های بیمه خصوصی و جبران از طریق مشارکت بخش خصوصی، سازمان های غیر دولتی و مؤسسات خیریه (صفاری، ۱۳۸۳: ۲۸۹). ماده ۲ کنوانسیون اروپایی، پرداخت غرامت به بزه دیدگان جرایم خشونت بار ۱۹۸۳، ماده ۱۲ اعلامیه اصول بنیادین عدالت ۱۹۸۵ و برخی از قوانین خاص راجع به تروریسم در حقوق داخلی کشورها و اسناد بین المللی، جبران خسارت توسط دولت ها را بیان نموده اند. میزان مشارکت سازمان های غیر دولتی در زمینه تأمین نیازهای بزه دیدگان در کشورهای مختلف با یکدیگر فرق دارد و این امر تابع تفاوت هایی در نگرش به مشارکت بخش خصوصی در امور مربوط به جامعه است. ماده ۱۳ اعلامیه اصول بنیادین عدالت ۱۹۸۵ به مشارکت بخش خصوصی در زمینه پرداخت غرامت به بزه دیدگان توجه دارد.

در مورد مبانی مسئولیت دولت در جبران خسارت نظرات بسیاری ارائه شده است (Reisman, 2003). یکی از نظراتی که در این زمینه ارائه شده این است که دولت وظیفه حفظ نظم و امنیت جامعه را عهده دار است. هرگاه جرمی اتفاق می افتد و نظم جامعه بر هم می ریزد، معلوم می شود که دولت وظیفه خود را به درستی انجام نداده است و در این مورد کوتاهی کرده است. پس بایستی خسارات وارد بر بزه دیدگان را جبران نماید.

نظر دیگر این است که در جرایمی همچون تروریسم، بزه دیده متحمل درد و رنج جسمانی، روانی و عاطفی می گردد. با اعمال مجازات نسبت به مجرم لزوماً این دردها تسکین نمی یابد. بزه دیدگان نیاز به حمایتی غیر از حمایت قضایی نیز دارند و رویت مجازات مجرم بخشی از تسکین آلام اوست. لذا امروزه «کلینیک بزه دیده» تعریف و ایجاد می شود. ابتدا سازمان های غیردولتی و انجمن های مدنی تاسیس شدند که به نوعی از ابتکارات جامعه مدنی است و خودجوش

است. کسانی که در گذشته قربانی این جرایم بوده‌اند، این سازمان‌ها و جمعیت‌ها را ایجاد می‌کنند تا به صورت داوطلبانه قربانیان جرایم خاصی را ترمیم کنند و با دادن مشاوره آلام آنها به ویژه دردهای عاطفی و مشکلات روانیشان را التیام دهند تا بزه دیده، جرم و آثار آن را کم کم فراموش کند و خشونت مستقر در ذهن وی با تدابیر درمانی از بین برود. در این مراکز به جبران مادی پرداخته نمی‌شود چون جبران مادی خسارات یک امر قضایی است و دستگاه قضایی انجام می‌دهد. در این کلینیک‌ها به رفع خساراتی توجه می‌شود که نامرئی است اما وجود دارد و بزه دیده را جریحه دار کرده و وی را از نظر روانی و عاطفی غیر اجتماعی و حتی ضد اجتماعی کرده است (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۶).

در زمینه حمایت از بزه دیدگان تروریسم، جبران مادی خسارات که امری قضایی است اصولاً بر عهده دستگاه قضایی است، اما به منظور حمایت روانی و عاطفی، ایجاد کلینیک‌های بزه دیدگان تروریسم توسط قربانیان همان جرم خاص مفید و سودمند خواهد بود. در حال حاضر در بسیاری از کشورهای جهان انجمن‌هایی به منظور حمایت از بزه دیدگان جرایم خاص تشکیل شده است یعنی نه تنها در جهت حمایت از همه بزه دیدگان قوانینی دارند و یا انجمن‌ها و نهادهای دولتی و غیر دولتی در این زمینه فعالیت می‌کنند، بلکه برای بزه دیدگان جرایم مهم نیز نهاد حمایتی خاص دارند، مثلاً انجمن حمایت از بزه دیدگان شکنجه یا انجمن حمایت از بزه دیدگان تجاوز جنسی و غیره.

در کلینیک‌های بزه دیدگان به صورت کاملاً دقیق خسارات و صدمات ناشی از جرم ارزیابی می‌گردد و نتایج این ارزیابی‌ها در صدور حکم در دادگاه و جبران خسارات مادی موثر خواهد بود و وجود چنین مراکزی حقوق انسانی - اخلاقی و حقوق عینی - مادی بزه دیده را تا حد مطلوبی تأمین می‌نماید. در این کلینیک‌ها ابتدا بررسی می‌شود که شخص، بزه دیده واقعی است یا بزه دیده نما؟ سپس میزان خسارت و درد و رنج ناشی از جرم و نوع حمایت از بزه دیده بررسی می‌شود. پس از آن مددکار اجتماعی یا بزه دیده شناس تحقیق می‌کند که آیا بزه دیده از فرایند رسیدگی و اقامه دعوا و رفتار دستگاه قضایی راضی است یا نه؟ در کلینیک بزه دیده بزه دیدگی اولیه و ثانویه از یکدیگر تفکیک می‌شود. امروزه در کنار تضمین‌های حقوقی پیش‌بینی شده برای بزه دیده یک حق دیگر نیز برای او قائل می‌شوند با عنوان «ترمیم آلام ناشی از رجوع به دادگستری». در این مراکز بعد از برآورد خسارات جسمانی، روانی و عاطفی با ارائه نظرات مشورتی به دادگاه سعی می‌شود در صدور و ماهیت حکم مورد توجه قرار گیرد. جبران خسارت مادی توسط کمیسیون‌های خسارت‌زدایی بزه دیدگان و صندوق تضمین خسارات قربانیان اعمال تروریستی و سایر جرایم خشونت‌آمیز صورت می‌گیرد که در چارچوب نظام قضایی عمل نموده و مکمل کار دادگاه‌ها، دادسراها و پلیس هستند (همان: ۲۶۵۲).

۴.۲. حمایت پزشکی و روانپزشکی از بزه دیدگان تروریسم

در مواردی که صدمات و آسیب‌های جسمی و روحی به بزه دیدگان تروریسم وارد می‌شود، لازم است از ایشان حمایت پزشکی به عمل آید. حمایت‌های پزشکی و به‌ویژه روان پزشکی از بزه دیدگان تروریسم، ضروری است. به دلیل گستردگی و غافلگیر کننده بودن حوادث تروریستی، بزه دیدگان تا مدت‌ها در شوک ناشی از آن به سر می‌برند و نیازمند درمان‌های پزشکی و روان پزشکی اند. حمایت‌های عاطفی و حیثیتی نیز در جرایم تروریستی ضروری است و شاید موثرترین حمایت‌ها از بزه دیدگان بلا فاصله پس از وقوع جرایم تروریستی، حمایت پزشکی و عاطفی و حیثیتی باشد. بزه دیدگان تروریسم برای بهره مند شدن از حمایت‌های پزشکی بایستی مشمول قواعد عام مطرح در اسناد بزه دیده شناسی قرار گیرند. اصول ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۹ اعلامیه اصول بنیادین عدالت برای بزه دیدگان و قربانیان سوء استفاده از قدرت ۱۹۸۵ بر کمک‌های پزشکی و روان پزشکی به بزه دیدگان تأکید دارد. در این اعلامیه بزه دیدگان مستحق دریافت کمک مادی، پزشکی، روان شناسانه و اجتماعی دانسته شده اند، خدمات بهداشتی و اجتماعی باید در دسترس بزه دیدگان قرار گیرد و افرادی که با بزه دیدگان در ارتباطند مانند افسران پلیس، دست‌اندرکاران عدالت و مأموران خدمات بهداشتی و اجتماعی باید آموزش کافی ببینند و خلاصه کمک به بزه دیده در زمینه‌های مختلف تضمین شده است. مطابق اصل ۱۹ دولت‌ها موظفند کمک و حمایت مادی، پزشکی، روان شناسانه و اجتماعی لازم را در قوانین داخلی بگنجانند.

همچنین، پیشنهاد ۱۸ و پیشنهادات ۲۵ تا ۲۹ گروه کاری سال ۱۹۹۸ فرانسه در زمینه ارائه کمک‌های پزشکی و روان پزشکی می‌باشد. به‌عنوان مثال، پیشنهاد ۲۵ مقرر می‌دارد: دفاتر پذیرش بیمارستانی، سرویس‌های اضطراری به‌طور ویژه و واحدهای پزشکی - قضایی که بزه دیدگان از جرایم عموماً به آنجا مراجعه می‌کنند، باید دخالت روان شناسانه در مورد بزه دیدگانی که وضعیت روحی شان اقتضا دارد را تأمین نموده، دفاتری ویژه کمک به بزه دیدگان سازمان دهند. همچنین مطابق پیشنهاد ۲۹ شیوه‌های کار بالینی هم بزه دیدگان مستقیم و هم بزه دیدگان غیرمستقیم را شامل می‌شود (لپیز و فیلیزولا، ۱۳۸۸: ۱۶۰).

۴.۳. حمایت پلیسی و امنیتی از بزه دیدگان تروریسم

مراجع حمایتی پلیسی و امنیتی نیز یکی دیگر از نهادهای حمایت کننده از بزه دیدگان تروریسم هستند. پلیس قبل، بعد و در حین وقوع جرایم تروریستی وظایفی را عهده دار است. هنگام وقوع و پس از وقوع جرایم باید به تعقیب افراد مظنون پردازد و در کشف این جرایم و مرتکبین آن دستگاه قضایی را یاری دهد، مراجعات مقدماتی بزه دیدگان را پاسخگو باشد و نقش ضابط دادگستری را به درستی انجام دهد. شناسایی سریع‌تر و زود هنگام مرتکبین جرایم تروریستی در تشفی خاطر و دسترسی سریع‌تر به حقوق و حمایت‌ها از جانب بزه دیدگان مؤثر است. پیش از

وقوع جرایم تروریستی نیز پلیس وظیفه دارد نظم و امنیت را در اجتماع برقرار سازد. وقوع هر جرم در جامعه پیامدهایی را به دنبال دارد و با توجه به اینکه جرم واقع شده از چه دسته‌ای است، پیامدها متفاوت است. هدف در جرایم تروریستی ضربه به حاکمیت‌ها و برهم زدن نظم و امنیت جوامع برای رسیدن به مقاصد سیاسی است که آثار بسیاری را به دنبال دارد. عده‌ای دچار صدمات جسمی و روحی می‌شوند، برخی خسارت مالی می‌بینند و اموالشان تخریب می‌شود. «حس ناامنی» پیامد کلیه جرایم تروریستی است. لذا یکی از نیازهای بزه‌دیدگان تأمین امنیت است چراکه هرگونه احساس ناامنی در بزه‌دیده ممکن است به یک بحران پس از بزه دیدگی بینجامد که در صورت بی‌توجهی ممکن است به شکل یک آسیب روانی یا درد و رنج عاطفی تازه یا پیشرفته درآید. هرچه وسعت و گستردگی اقدامات تروریستی بیشتر باشد، تروریست‌ها نیز می‌توانند تبلیغات و سوء استفاده بیشتری نمایند. پس اغلب، جمعیت‌های زیادی را هدف حملات تروریستی قرار می‌دهند و در این میان زنان و کودکان از بزه‌دیدگان اصلی به شمار می‌آیند.

در کنار سایر حمایت‌ها، «پیشگیری وضعی» از جرایم تروریستی نیز مطرح است. در پیشگیری وضعی تمرکز بر بزه‌کار و روش‌های جلوگیری از بزه نیست بلکه هدف این است که مسیر ارتکاب جرم مشکل‌گردد. مثلاً ابزارهای ارتکاب جرم سخت‌تر و پرهزینه‌تر شود و یا بزه‌دیده بالقوه تقویت شود چراکه برخی از افراد به دلیل ویژگی‌های شخصی مانند سن، جنسیت و یا ویژگی‌های اجتماعی که دارند مانند خارجی بودن یا مهاجر بودن، هدف مناسبی برای بزه‌کاران هستند. حوادث تروریستی معمولاً در اماکن عمومی و پرجمعیت اتفاق می‌افتند قرار دادن دستگاه‌های کنترل بار (نوارهای موجود در فرودگاه‌ها و ترمینال‌ها)، ایستگاه‌های بازرسی در مکان‌های عمومی و نصب دوربین و سایر ابزار کنترل و نظارت به ویژه بر داده‌های الکترونیکی در زمینه پیشگیری وضعی از تروریسم مفید و سودمند می‌باشد. پلیس در انجام اقدامات پیشگیرانه نقش مهمی دارد و اگر سیستم پلیسی یک کشور به درستی عمل نماید، به کشف بسیاری از عملیات‌های تروریستی منجر خواهد شد.

۴.۴. حمایت فرهنگی از بزه‌دیدگان تروریسم

حمایت فرهنگی از بزه‌دیدگان تروریسم نوع دیگری از حمایت‌هاست. رسانه‌ها و مطبوعات می‌توانند در حمایت‌های معنوی از بزه‌دیدگان تروریسم نقش ویژه‌ای ایفا نمایند. نهادهای فرهنگی و آموزشی یک جامعه مانند آموزش و پرورش، صدا و سیما و مطبوعات، هم در زمینه پیشگیری از تروریسم و هم در زمینه حمایت از بزه‌دیدگان تروریسم مفیدند. افراد جامعه باید تحت آموزش‌های صحیح قرار گیرند چرا که عده‌ای از افراد به دلیل نداشتن ثبات عقیده و مشکلاتی که دارند، فریب گروه‌های تروریستی را خورده و عضو چنین گروه‌هایی می‌شوند و دست به عملیات‌های تروریستی انتحاری می‌زنند. در عملیات‌های انتحاری دو نوع قربانی وجود دارد: قربانی اول فرد بی

گناهی است که توسط تروریست‌ها آسیب و صدمه دیده است و دیگری همان فردی است که دست به عملیات انتحاری زده و جان خود و سایرین را به خطر انداخته است. به نظر می‌رسد در زمینه حمایت از بزه دیدگان دسته دوم مهم‌ترین حمایت، حمایت فرهنگی است. جامعه باید با آموزش صحیح از فریب خوردن افراد و قربانی مقاصد دیگران شدن، جلوگیری نماید.

۵.۴. حمایت قضایی از بزه‌دیدگان تروریسم

حمایت قضایی یا مجازات مرتکبین جرایم تروریستی نیز نوعی حمایت از بزه‌دیدگان تروریسم محسوب می‌شود. در این جرایم به دلیل قابل شناسایی نبودن متهمین، در دسترس نبودن آنان، عدم امکان جبران خسارت مستقیم و عدم مجازات سریع آنان دسترسی به مسئولان اصلی جرم بسیار کند و مشکل است. با وجود این مشکلات، مجازات تروریست‌ها تأثیر مهمی در تشفی خاطر بزه‌دیدگان و بازگشت نظم و امنیت به جامعه دارد. بسته به اینکه عمل تروریستی از چه نوعی است، مرتکبین آن متفاوت خواهند بود. اشخاص حقیقی و حقوقی و دولت‌ها ممکن است مبادرت به ارتکاب جرایم تروریستی نمایند. جدول زیر مرتکبین تروریسم و مراجع رسیدگی کننده به جرایم آنان را به طور کلی نشان می‌دهد.

مرتکبین تروریسم	مراجع رسیدگی کننده
دولت (مسئولیت مدنی)	با رعایت شرایط، رسیدگی در مراجع بین‌المللی مثل دیوان بین‌المللی دادگستری و دادگاه اروپایی حقوق بشر در مورد کشورهای اروپایی
سران دولت‌ها به نمایندگی از دولت	با رعایت شرایط، رسیدگی در دیوان بین‌المللی کیفری و دادگاه‌های داخلی کشورها
افراد عادی	با رعایت شرایط، رسیدگی در دیوان بین‌المللی کیفری و دادگاه‌های داخلی کشورها

در صورتی که اشخاص حقیقی مسئول اصلی جرایم تروریستی باشند، رسیدگی به جرایم آنان در دادگاه‌های داخلی و با رعایت شرایط اساسنامه رم ۱۹۹۸ از طریق دیوان بین‌المللی کیفری صورت می‌گیرد. در بسیاری از کشورها رسیدگی به اتهامات تروریستی در دادگاه‌های عمومی صورت می‌گیرد. برخی از کشورها نیز به دلیل ارتباط این جرایم با نظم و امنیت و به عبارت دیگر ارتکاب جرم علیه آسایش عمومی، در دادگاه‌های خاص به ویژه دادگاه‌های نظامی به آن رسیدگی می‌کنند. دیوان بین‌المللی کیفری صلاحیت رسیدگی به جرایم بین‌المللی اشخاص حقیقی را دارد و رسیدگی به اعمال تروریستی دولت‌ها در این مرجع صورت نمی‌گیرد. ماده ۱ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری مقرر می‌دارد: «... این دیوان نهادی دائمی خواهد بود و دارای قدرت اعمال صلاحیت خود بر اشخاص در مورد شدیدترین جنایات‌های مورد دغدغه بین‌المللی (به شرح مذکور در این اساسنامه) بوده و مکمل صلاحیت‌های کیفری ملی خواهد بود...».

رسیدگی به جنبه‌های حقوقی جرایم تروریستی دولت‌ها، مشروط بر اینکه شرایط مندرج در اساسنامه دیوان رعایت گردد، قابل رسیدگی در دیوان بین‌المللی دادگستری است. اگر عملیات تروریستی مصداقی از جرایم داخل در صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری باشد، با رعایت اساسنامه دیوان (دیهیم، ۱۳۸۰)، سران دولت‌ها به عنوان مرتکبین ممکن است مسئولیت کیفری شخصی داشته قابل تعقیب و مجازات در دیوان اخیر باشند.

در بیان حمایت قضایی از بزه دیدگان تروریسم، یکی از مهم‌ترین مسائلی که باید مورد بررسی واقع شود، صلاحیت دولت‌ها در تعقیب و مجازات متهمان اعمال تروریستی است. در مورد تروریسم بین‌المللی سؤالی که مطرح می‌شود این است که: «آیا رسیدگی به جرایم تروریستی در دیوان بین‌المللی کیفری ممکن است؟» مطابق اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، صلاحیت دیوان محدود به مهم‌ترین جرایم مایه‌ی نگرانی جامعه بین‌المللی است که عبارتند از جنایت علیه بشریت، جنایت جنگی، نسل‌زدایی و جرم تجاوز (ماده ۵ اساسنامه). در جریان مذاکرات نشست دیپلماتیک رم در ژوئیه ۱۹۹۸ برخی دولت‌ها خواستار درج «تروریسم» به عنوان یکی از جرایم مهم بین‌المللی در اساسنامه بودند.^۱ اما در مقابل، برخی دیگر از کشورها همچون آمریکا به دلایلی با این مسأله مخالفت می‌کردند. خلاصه اینکه کشورها در مورد درج «تروریسم» در زمره جرایم مهم بین‌المللی نتوانستند به نظر واحدی دست یابند و سرانجام این جرم در زمره جرایم داخل در صلاحیت دیوان قرار نگرفت. البته در صورت دارا بودن شرایط جرایم مشمول صلاحیت دیوان، می‌تواند به عنوان یکی از آن جرایم در دیوان مطرح گردد. به‌عنوان مثال، اگر جرم تروریستی در چارچوب یک حمله گسترده یا سازمان‌یافته بر ضد یک جمعیت غیر نظامی و با علم به آن حمله واقع شود و یکی از مصادیق جنایت علیه بشریت مذکور در ماده ۷ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری باشد، می‌تواند به عنوان جنایت علیه بشریت در دیوان مطرح و مورد رسیدگی واقع شود. روبربادینته، حقوقدان فرانسوی، کوفی عنان دبیر کل سازمان ملل متحد و نیز مری رابینسون کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد، تروریسم را جرم در حق بشریت تلقی کردند. از طرف دیگر صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری «تکمیلی» است و در صورتی که دولت‌ها «نخواهند» یا «نتوانند» به جرم بین‌المللی رسیدگی کنند، دیوان می‌تواند پرونده را مورد بررسی قرار دهد (طهماسی، ۱۳۸۸). مطابق مواد اساسنامه، ثبت یک شکایت در گرو تحقق این شرط است که دولت توقیف‌کننده شخص مظنون و دولت محل وقوع جنایت، صلاحیت دیوان را برای این گروه از جنایات بین‌المللی پذیرفته باشند. گرچه مطابق بند «الف» ماده ۱۲ اساسنامه، دیوان می‌تواند به جرائمی که توسط اتباع و دولت‌های غیر عضو در قلمرو حاکمیت کشورهای عضو واقع می‌شود رسیدگی کند، اما قطع نظر از صلاحیت تکمیلی دیوان که تشخیص آن به عهده دیوان است، «عضویت دولت بزه‌دیده» از ارکان

۱. الجزایر، هندوستان، سریلانکا و ترکیه از جمله این کشورها بودند.

اساسی صلاحیت کیفری این مرجع بین المللی است. در مورد دولتهای عضو، به موجب مواد ۱۴ و ۱۵ اساسنامه بویژه بند ۱، ۵ و ۶ به دادستان دیوان بین المللی کیفری، اختیارات گسترده‌ای اعطا شده است، به طوری که می‌تواند، راساً و بدون ارجاع دولتهای عضو یا شورای امنیت، تحقیقات خود را راجع به جنایات بین المللی شروع کند. اما از نقایص عمده اساسنامه دیوان این است که شورای امنیت می‌تواند با صدور قطعنامه‌ای، انجام وظیفه دیوان را نخست برای یک سال و در صورت نیاز برای مدت طولانی‌تر به تعویق اندازد. بدین معنا که شورای امنیت می‌تواند به موجب قطعنامه‌ای که در چارچوب فصل هفتم منشور صادر می‌شود، موجبات «تعلیق تعقیب» مرتکبین جرم بین المللی را فراهم کند (ماده ۱۶ اساسنامه). شورای امنیت متعاقب قطعنامه ۴۹/۶۰ سال ۱۹۹۴ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، در اجلاس ۱۹ اکتبر ۱۹۹۹ خود با توجه به اقدامات تروریستی در فلسطین اشغالی، در بند ۵ قطعنامه شماره ۱۲۶۹، تروریسم را «اقدامی علیه صلح و امنیت بین المللی» معرفی کرد (S/RES/1269). بنابراین، از نظر سازمان ملل متحد، حمله تروریستی می‌تواند یکی از مصادیق «تهدید علیه صلح و امنیت بین المللی» تلقی شود. یکی از جرائم بین المللی دولت به شرح مندرج در ماده ۳۹ منشور ملل متحد «تهدید علیه صلح» است. بموجب این ماده «شورای امنیت وجود هرگونه تهدید علیه صلح، نقض صلح یا عمل تجاوز را احراز و توصیه‌هایی خواهد نمود یا تصمیم خواهد گرفت که برای حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین المللی به چه اقداماتی طبق مواد ۴۱ و ۴۲ باید مبادرت شود». شورای امنیت در اجرای ماده ۳۹ دارای دو مسئولیت مهم است: ۱. تشخیص و احراز جرائم بین المللی تهدید علیه صلح، نقض صلح و عمل تجاوز. ۲. توصیه و اتخاذ تصمیم در مورد اجرای اقدامات لازم به منظور حفظ صلح و امنیت جهانی. بنابراین، اگر شورای امنیت، حمله تروریستی را در حد یکی از جرائم مندرج در ماده ۳۹ منشور تشخیص دهد، می‌تواند با صدور توصیه یا اعمال ضمانت اجراهای کیفری مندرج در مواد ۴۱ و ۴۲ منشور با آنها مقابله کند.

به موجب ماده ۴۱ منشور: «شورای امنیت می‌تواند تصمیم بگیرد برای اجرای تصمیمات آن شورا اقداماتی که متضمن استعمال نیروی نظامی نباشد، از اعضای ملل متحد بخواهد که به این قبیل اقدامات مبادرت ورزند: این اقدامات ممکن است شامل متوقف ساختن تمام یا قسمتی از روابط اقتصادی و ارتباطات راه آهن، دریایی، هوایی پستی، تلگرافی، رادیویی، و سایر وسایل ارتباطی و قطع روابط سیاسی باشد».

در صورتی که شورای امنیت، در جریان اعمال ضمانت اجراهای غیر نظامی، تشخیص دهد که اقدامات پیش بینی شده در ماده ۴۱ کافی نیست، می‌تواند نسبت به اعمال ضمانت اجراهای نظامی به شرح مندرج در ماده ۴۲ منشور به وسیله نیروهای هوایی، دریایی یا زمینی به اقداماتی که برای حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین المللی ضروری است، مبادرت ورزد. این اقدامات ممکن است، مشتمل بر محاصره و سایر عملیات نیروهای هوایی، دریایی یا زمینی اعضای ملل متحد باشد.

ممکن است ادعا شود چون شورای امنیت به دلیل در اختیار نداشتن نیروهای مسلح، همیشه قادر به اعمال ماده ۴۲ منشور ملل متحد نیست و یا تا زمان مداخله و اقدام شورای امنیت، امکان دارد حملات تروریستی در ابعاد مختلفی گسترش یابد، در این صورت، ضرر و زیانی به دولت بزه دیده تحمیل شود که به راحتی قابل جبران نباشد. در این موارد، شورا می تواند به قربانی تجاوز و یا سایر دولتها اجازه کاربرد زور بر ضد دولت بزهکار را صادر کند. دولت بزه دیده می تواند از سایر دولتها، تقاضای کمک کند که در این صورت، اقدام به شکل دفاع مشروع دسته جمعی انجام می شود. ملاحظه می شود که محاکمه بین المللی و یا مجازات تروریستها به عنوان منطقی ترین واکنش جزایی با محدودیت های بسیاری رو به رو است و در مواردی غیرممکن می نماید (نک سلطانی، ۱۳۹۰).

مسأله دیگر این است که در نبود یک دادگاه بین المللی کیفری دارای صلاحیت در رسیدگی به اعمال تروریستی، باید مشخص ساخت که آیا دولت ها صلاحیت اجرای قوانین کیفری ملی خود را نسبت به جرایم تروریستی بین المللی دارند؟ دولت بر اساس حقوق بین الملل و تحت شرایطی مجاز است با جرایم تروریستی ارتكابی در داخل یا خارج از قلمرو سرزمینی خود مقابله و در رسیدگی قضایی نسبت به آن اعمال صلاحیت کند. صلاحیت در حقوق کیفری داخلی به معنای «شایستگی و قابلیت اعمال قوانین جزایی یک کشور در رسیدگی به جرایمی است که در داخل یا خارج از آن کشور ارتكاب می یابد» (پوربافرانی، ۱۳۸۷: ۹). به طور کلی انواع صلاحیت عبارتند از: ۱- اصل صلاحیت سرزمینی: به موجب این اصل کلیه جرایم ارتكابی در داخل قلمرو حاکمیت یک کشور، مطابق قوانین آن کشور قابل تعقیب، محاکمه و مجازات است، اعم از اینکه مرتکب آن تبعه یا بیگانه باشد. ۲- اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت: بر اساس این اصل دولت می تواند اتباع خود را به دلیل جرایمی که در خارج از قلمرو سرزمینی مرتکب شده اند و صرف نظر از تأثیر آن بر دولت متبوع مورد محاکمه قرار داده و مجازات نمایند. این اصل به تابعیت قربانی جرم نیز اشاره دارد. علی رغم مخالفت برخی دولت ها با اعمال اصل تابعیت قربانی، در حال حاضر توجه به این اصل تا حدی گسترش یافته است و جامعه بین المللی سعی دارد تا این اصل را نسبت به اعمال تروریستی علیه شهروندان خود اعمال نماید. ۳- اصل صلاحیت واقعی: این اصل به دولت ها اجازه می دهد صلاحیت خود را نسبت به کسانی که با ارتكاب جرایم در خارج از کشور، منافع و امنیت ملی آنها را به خطر می اندازند، اعمال کنند. بنابراین دولت در مورد مجرمینی که با ارتكاب جرایم تروریستی در خارج از مرزها اقدامی علیه امنیت، تمامیت ارضی، استقلال سیاسی، منافع اقتصادی و مالی آن دولت انجام داده اند، صلاحیت تعقیب و رسیدگی قضایی خواهد داشت. ۴- اصل صلاحیت جهانی: مطابق این اصل تمامی دولت ها می توانند متهمین به ارتكاب جرایم بین المللی یعنی جرایم ارتكابی علیه جامعه بین المللی را مورد تعقیب قرار دهند. هنوز در مورد اینکه آیا اعمال تروریستی و جرایم

مرتبط با تروریسم تحت این صلاحیت قرار می‌گیرند یا خیر اختلاف نظر وجود دارد؛ ضمن اینکه کنوانسیون‌های ضد تروریسم هم به این صلاحیت اشاره ندارند (سلطانی، ۱۳۹۰).

در صورت وقوع جرایم تروریستی در داخل قلمرو یک کشور، امکان محاکمه متهم بر اساس اصل صلاحیت سرزمینی، واقعی یا تابعیت وجود دارد و دادگاه‌های داخلی قادر به تعقیب، محاکمه و مجازات مجرمین خواهند بود. در صورتی که دولتی بخواهد نسبت به مجرمی که در قلمرو دولت دیگری است اعمال صلاحیت کند، تنها ابزار حقوقی برای احضار او در مقابل دادگاه کیفری، «استرداد» است. در حال حاضر بر اساس حقوق بین‌الملل، دولتها در استرداد مجرمین تکلیفی ندارند و چنین تکلیفی تنها می‌تواند از یک معاهده استرداد ناشی شود.

در جریان حوادث ۱۱ سپتامبر در آمریکا چند مجموعه از متهمین وجود داشتند:

- ۱) خطوط هوایی ایالات متحده و نیز شرکت‌های امنیتی خطوط هوایی.
- ۲) مالکان و متصدیان ساختمان، کارکنان امنیتی مرکز تجارت جهانی، مقامات شهر و بندر، معماران و پیمان کارانی که طراحی و ساخت مرکز تجارت جهانی با آنها بوده است.
- ۳) اسامه بن لادن و برخی دیگر از افراد و موسسات.
- ۴) مؤسسات دولتی متفاوت.

در این راستا، آمریکا پس از حوادث تروریستی ۱۱ سپتامبر، ۲۵۴ میلیون دلار از دارایی طالبان را مسدود نمود. همچنین با دستور رئیس قوه مجریه در ۲۳ سپتامبر ۲۰۰۱، رئیس جمهور بوش، دارایی ۲۷ مؤسسه را که معتقد بود حامیان شبکه القاعده هستند، مسدود کرد. این امر منجر به مسدود شدن میلیون‌ها دلار شد که شامل حداقل ۵ میلیون دلار در امریکا است (Vairo: 2002: 1269, 1272).

نتیجه‌گیری

اغلب مکانیسم‌های حمایتی موجود از قربانیان تروریسم متأثر از حقوق داخلی است. در حقوق بین‌الملل کیفری، ضمانت اجراها همچنان در حال توسعه هستند و پیشرفته‌ترین نمونه آن‌ها را می‌توان در مورد دیوان‌های بین‌المللی اختصاصی مانند یوگسلاوی سابق،^۱ رواندا^۲ و دیوان بین‌المللی کیفری^۳ نام برد.

اگرچه اسناد خاص بین‌المللی در زمینه حمایت از بزه دیدگان تروریسم بسیار اندک و انگشت‌شمارند، اما همین اسناد محدود، به‌ویژه اسناد شورای اروپا، نیز در این خصوص بسیار راهگشا است و مقدمه‌ای است برای تدوین قوانین بین‌المللی بیشتر. برخی از قطعنامه‌های سازمان ملل متحد

1. International Criminal Tribunal for Former Yugoslavia
2. International Criminal Tribunal for Rwanda
3. International Criminal Court

حمایت از بزه دیدگان تروریسم را ضروری دانسته اند. اسناد منطقه‌ای نیز در این زمینه موجود است. در اسناد اتحادیه اروپا بزه دیدگان تروریسم مشمول حمایت‌های خاص قرار گرفته‌اند. در صورتی که بزه دیده تروریسم مشمول هیچ‌یک از قوانین پراکنده فوق قرار نگیرد، با کمک اسناد عام بزه دیده‌شناسی می‌توان به حمایت مؤثر از آنها پرداخت. منظور از اسناد بزه دیده‌شناسی، اسنادی چون کنوانسیون اروپایی پرداخت غرامت بزه دیدگان جرایم خشونت بار ۱۹۸۳، اعلامیه اصول بنیادین عدالت در مورد بزه دیدگان جرم و قربانیان سوء استفاده از قدرت ۱۹۸۵ است.

تفاوت‌های بزه دیدگان تروریسم با سایر بزه دیدگان، آنها را مستحق توجه و حمایت ویژه می‌سازد. برخی از این تفاوت‌ها ناشی از ویژگی‌های فردی است و برخی دیگر ناشی از ماهیت تروریسم. در اغلب جرایم تروریستی زنان و کودکان بزه دیدگان اصلی هستند که به دلیل بی‌گناهی محض در اسناد عام بزه دیده‌شناسی همواره مورد حمایت قرار گرفته‌اند و حمایت از آنان که در حملات گسترده تروریستی دچار آسیب‌های فراوان جسمی و روحی می‌گردند، ضروری است.

در راستای حمایت از بزه دیدگان تروریسم قبل از هر چیز ورود تروریسم در قوانین و تعریف دقیق آن لازم و ضروری است. برخی از افراد این مسأله را با عنوان «حمایت کیفری» بیان نموده‌اند. اگرچه باوجود جهانی شدن تروریسم (ناجی راد، ۱۳۸۷) در عرصه بین‌المللی تعریف اجماعی از تروریسم وجود ندارد و امری اختلافی بین کشورهاست، اما برخی از اسناد بین‌المللی و نیز قوانین داخلی کشورها بزه دیدگان تروریسم را مد نظر قرار داده و راهکارهای حمایتی از ایشان را بیان نموده‌اند. ایالات متحده آمریکا و برخی کشورهای عضو شورای اروپا، قوانین خاص راجع به حمایت از بزه دیدگان تروریسم را در سیستم داخلی تصویب نموده‌اند.

حمایت قضایی یا مجازات عاملین تروریسم در تشفی خاطر بزه دیدگان این جرم و نیز بازگشت امنیت به جامعه بسیار مؤثر است. البته، در این راستا ضروری است تعقیب، دستگیری، محاکمه و مجازات تروریست‌ها کاملاً مطابق با ضوابط قانونی و مراعات عرف بین‌المللی صورت گیرد. متأسفانه در عمل چنین مسائلی مراعات نمی‌گردد. به‌عنوان مثال، کشتن ابهام‌آمیز «اسامه بن لادن» رهبر گروه تروریستی «القاعده» بدون تشکیل محکمه‌ای بین‌المللی و اثبات جرایم وی خلاف مقررات بین‌المللی بوده و مجازات مجرمین بین‌المللی مستلزم تشکیل محکمه‌ای عادلانه و اثبات جرایم در دادگاه است. محاکمه مجرمین بین‌المللی در دادگاه‌ها و بازتاب خبری آن ممکن است بسیاری از مجرمین را از فکر ارتکاب جرم دور نماید.

حمایت‌های پزشکی و روان‌پزشکی از بزه دیدگان تروریسم گونه دیگری از حمایت‌هاست. در جرایم تروریستی آسیب‌های جسمی و روحی فراوانی ایجاد می‌شود که ضرورت حمایت‌های پزشکی و روان‌پزشکی را توجیه می‌نماید. اسناد بین‌المللی موجود این حمایت‌ها را بیان نموده‌اند. در این زمینه هم نهادهای دولتی و هم نهادهای غیر دولتی قادر به ارائه کمک به بزه دیدگان می‌باشند.

صلیب سرخ که نهادی غیردولتی است، از نهادهای ارائه دهنده کمک‌های پزشکی است که به یاری کلیه افراد نیازمند می‌شتابد و بزه دیدگان تروریسم نیز می‌توانند مشمول این حمایت‌ها قرار گیرند. آنچه بیش از سایر حمایت‌ها در اسناد بین‌المللی و داخلی در زمینه حمایت از بزه دیدگان تروریسم پیش‌بینی شده است، حمایت مالی یا جبران خسارت بزه دیدگان است. جبران خسارت از طریق کمک‌های دولتی، صندوق‌های ملی با مشارکت دولت و مردم، نهادهای غیردولتی و داوطلبانه و موسسات بیمه میسر است. ارائه کمک به بزه دیدگان منوط به شناسایی و دستگیری متهم نخواهد بود.

در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری نیز مقرراتی در زمینه جبران خسارت بزه دیدگان جرایم خطیر وجود دارد. با این حال، اسناد موجود حداقل‌ها را احصا نموده و جامعه جهانی باید به سمتی حرکت نماید که با تصویب معاهده خاص بین‌المللی در مورد بزه دیدگان تروریسم و تعریف دقیق آن‌ها، تعقیب عاملین اعمال تروریستی و جبران خسارت قربانیان این جرم را به صورت مؤثرتری تسهیل نماید. به نظر می‌رسد، علاوه بر تأسیس صندوق‌های داخلی حمایت از بزه دیدگان، تشکیل «صندوق بین‌المللی جبران خسارت بزه دیدگان» برای ترمیم حقوق قربانیان جرایم بین‌المللی و از جمله تروریسم بسیار مفید باشد.

منابع

- اردبیلی، م. ۱۳۸۸. حقوق بین‌الملل کیفری. گزیده مقالات، چاپ پنجم، میزان. (کتاب)
- آزمایش، ع. ۱۳۸۰. تروریسم بین‌المللی. مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۲(۱): ص ۱۶۷-۱۷۳. (مقاله)
- پوربافرانی، ح. ۱۳۸۷. حقوق جزای بین‌الملل. چاپ اول، جنگل. (کتاب)
- پطروس غالی، پ. ۱۳۸۰. سازمان ملل و اقدامات حقوقی جامع برای مبارزه با تروریسم بین‌المللی. ترجمه سید قاسم زمانی، مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۲: ص ۱۱۵-۱۴۶. (مقاله)
- توجهی، ع. ۱۳۸۰. جایگاه حمایت از بزه دیدگان در اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی. مجله مجتمع آموزش عالی قم، ۹(۳): ص ۵۱-۶۶. (مقاله)
- جلالی، م. ۱۳۸۴. تروریسم از دیدگاه حقوق بین‌الملل با تأکید بر حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱. مجله نامه مفید حقوقی، جلد ۱، ۵۲: ص ۴۹-۸۰. (مقاله)
- حبیب‌زاده، م. ج. و حکیمی‌ها، س. ۱۳۸۶. ضرورت جرم‌انگاری تروریسم در حقوق کیفری ایران. دوره ۱۱، ۵۱(۲): ص ۴۷-۷۱. (مقاله)

- دیهیم، ع. ۱۳۸۰. درآمدی بر حقوق کیفری بین‌المللی در پرتو اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی. چاپ اول، وزارت امور خارجه. (کتاب)
- رایجیان اصلی، م. ۱۳۸۴. بزه دیده‌شناسی حمایتی در پرتو اعلامیه اصول بنیادی عدالت برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوء استفاده از قدرت. مجله پژوهش‌های حقوقی، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۷(۴): ص ۵۴-۲۹. (مقاله)
- زهر، ه. ۱۳۸۸. عدالت ترمیمی. ترجمه حسین غلامی، ویرایش اول، چاپ دوم، انتشارات مجد. (کتاب)
- ژرار ل پ. و ژینا ف. ۱۳۸۸. بزه دیده و بزه دیده‌شناسی. ترجمه روح‌الدین کرد علیوند، احمد محمدی، چاپ دوم، انتشارات مجد. (کتاب)
- سلیمی، م. ۱۳۸۹. بررسی جبران خسارت بزه‌دیدگان جرایم تروریستی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد نراق. (پایان‌نامه)
- سندوز، ی. ۱۳۸۲. مبارزه علیه تروریسم و حقوق بین‌الملل: خطرات و فرصت‌ها. ترجمه حسن سواری، مجله حقوقی نشریه دفتر خدمات حقوق بین‌الملل جمهوری اسلامی ایران، ۲۹: ص ۳۸۲-۳۳۱. (مقاله)
- صفاری، ع. ۱۳۸۳. حمایت از بزه‌دیده و نهادهای مردمی. مجله تحقیقات حقوقی، ۴۰: ص ۳۲۴-۲۸۹. (مقاله)
- طهماسبی، ج. ۱۳۸۸. صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی. چاپ اول، انتشارات جاودانه، جنگل. (کتاب)
- کسسه، آ. ۱۳۸۷. حقوق کیفری بین‌المللی. ترجمه حسین پیران، اردشیر امیر ارجمند، زهرا موسوی، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل. (کتاب)
- ماریا ک. آ. ۱۳۸۸. کتاب راهنما در زمینه کنوانسیون سازمان ملل متحد در زمینه جرم سازمان یافته فراملی پروتکل‌ها و پرسش‌نامه‌ها، معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضاییه، دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد، چاپ اول، ناشر روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران. (کتاب)
- میرمحمدصادقی، ح. ۱۳۸۰. ملاحظاتی در باب تروریسم. مجله تحقیقات حقوقی، ۳۳-۳۴: صص. ۱۸۵-۲۰۸. (مقاله)
- ناجی راد، م. ع. ۱۳۸۷. جهانی شدن تروریسم. چاپ اول، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه. (کتاب)
- نجفی ابرند آبادی، ع. ح. ۱۳۸۶. تقریرات درس جرم‌شناسی (جرم‌شناسی تروریسم). تنظیم امیر باستانی و مهدی نوروزیان، قم: دانشکده حقوق پردیس قم. (جزوه درسی)

نوربها، ر. ۱۳۸۷. زمینه حقوق جزای عمومی. چاپ بیست و سوم، گنج دانش. (کتاب)
 نوری صفا، ن. ۱۳۸۷. بررسی اسناد منطقه‌ای مقابله با تروریسم و عملکرد دولت‌های عضو با تکیه بر
 اقدامات اتحادیه اروپایی. استاد راهنما عباسعلی کدخدایی، رساله کارشناسی ارشد دانشگاه
 تهران. (پایان نامه)

هاشمی، س. ح. ۱۳۸۸. حمایت از قربانیان تروریسم؛ مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و آلمان و
 اسناد بین‌المللی. استاد راهنما محسن رهامی، رساله دکتری دانشکده حقوق دانشگاه تهران.
 (پایان نامه)

- Albrecht, H.J. & Kilchling, M. 2005. Victims of Terrorism Policies and Legislation in Europe an Overview on Victim Related Assistance and Support, at www.Council of Europe.int/tcj. (Web site)
- Bassiouni, M. C. 2006. International Recognition of Victims Rights, 6 Human Rights Law Review 203. (Journal)
- Hornby A. S., 1995. Oxford Advanced Learners Dictionary of Current English, Oxford University Press. (Book)
- Reisman W. M., 2001. Illusion and Reality in the Compensation of Victims of International Terrorism, Hugo Black Lecture, Alabama Law Review, winter, 2003, Vo1. 54, No.2. (Journal)
- Romani CF de Casadevante. 2012. International Law of Victims, Springer, Heidelberg. (Book)
- Solidarity with Victims of Terrorism, 2005, Technical Workshop on Solidarity with Victims of Terrorism, Office for Democratic Institutions and Human Rights. (Workshop)
- Vairo, G.M. 2002. Remedies for Victims of Terrorism, in Loyola of Los Angeles Law Review, 35, 4; 1265-1294. (Journal)
- Van Boven, 2006. Principles and Reparation for Victims of Gross Violations, International Human Rights Law and Serious Violations of International Humanitarian Law. (Book)

- اسناد بین‌المللی

- Convention for the Suppression of Unlawful Acts against the Safety of Civil Aviation, 23 September 1971.
- Convention against Torture and Other Cruel, Inhuman or Degrading Treatment or Punishment, 1989.
- Convention for the Suppression of Unlawful Acts against the Safety of Maritime Navigation, 10 March 1988.
- Convention for the Suppression of Unlawful Seizure of Aircraft, 16 December 1970.
- Convention on Offences and Certain other Acts Committed on Board of Aircraft, 14 December 1963.
- Convention on the Marking of Plastic Explosives for Purpose of Detection, 1 March 1991.

- Convention on the Physical Protection of Nuclear Material, 16 October 1979.
- Convention on the Prevention and Punishment of Crimes against Internationally Protected Persons including Diplomatic Agents, 14 December 1973.
- European Convention on the Compensation of Victims of Violent Crimes, Strasbourg, 24. XI. 1983.
- International Convention for Suppression of Act of Nuclear Terrorism, 15 April 2005.
- International Convention against the Taking of Hostages, 17 December, 1979.
- International Convention for the Suppression of Terrorist Bombing, 15 December 1997.
- International Convention for the Suppression of the Financing of Terrorism, 25 Feb. 2000.
- Protocol for Suppression of Unlawful Acts of Violence at Airports Serving International Civil Aviation, Supplementary to the Convention for the Suppression of Unlawful Acts Against the Safety of Civil Aviation, 24 Feb. 1988, I.C.A.O.Doc.95/8.
- Protocol for the Suppression of Unlawful Acts against the Safety of Fixed Platforms Located on the Continental Shelf, 10 March 1988.
- Rome Statute of the International Criminal Court. 1988.
- UN General Assembly Resolution 217 A of 10 December 1984; 49/60, 1994; Declaration of Basic Principles of Justice for Victims of Crime and Abuse of Power, 1985, GA Resolution 40/34 and UN General Assembly Resolution, 60/147, 2006.
- UN Security Council Resolution 1269, 19 Oct. 1999.